



پڙهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

حرف اول

پی آمدهای سیاسی - فرهنگی حماسه ۱۵ خرداد

۴) دگرگونی در ذائقه سیاسی مردم

سیاست گریزی از جامعه رخت بر بست، مبارزه سیاسی تقدس یافت، حضور در صحنه‌های مبارزه با رژیم ستم‌شاهی، چونان وظیفه و مسئولیتی شرعی، پذیرفته شد و محراب و منبر، سنگر مبارزه گردید.

فرزندان فیضیه، چنین دگرگونی را آغوش می‌گشودند و از این فرصت طلایی به سود نهضت بهره‌گیری می‌کردند؛ اما پی آمدهای آن با مزاج عافیت‌طلبان سازگار نبود، از این‌پس در هر محرم و رمضان، موجی از تبلیغات در ستیز با حاکمیت موجود برمی‌خاست و حاکمان زمان را وحشتزده می‌ساخت. کنترل منبر و منبرها در دستور کار شهربانی و ساواک قرار می‌گرفت و از عملکرد هر سخنران و امام‌جماعت، و نیز هر مسجد و حسینیه و هیئت، پرونده‌ای تشکیل می‌شد که مجموعه این پرونده‌ها، تاریخ انقلاب را منبع گرانبهای است.

پیش از این دگرگونی، فعالیت و مبارزه سیاسی در انحصار احزاب بود - که نقد کارنامه احزاب در ایران خود مجالی دیگر می‌طلبید - اما پس از دگرگونی‌های نشست گرفته از حماسه ۱۵ خرداد، هر مسجد و حسینیه و هیئت، فعالیت و مبارزه سیاسی را نیز جایگاهی مناسب بود.

چهره‌ای چونان آیت‌الله طالقانی که پیش از این تنها در میان روشنفکران مطرح بود و برای بسیاری از اقشار جامعه ناشناخته بود در گستره توده‌های مردم درخششی دیگر یافت و در پرتو شخصیت وی نهضت آزادی پایگاه و جایگاه دیگری به‌دست آورد.

در روند این دگرگونی، که رفته‌رفته بر تمامی رسانه‌ها سایه می‌گسترد، برای حضور در صحنه‌های سخن، قلم، شعر و... پرخاشگری، شرطی کارآمد

به‌شمار می‌آمد و سخنوران، قلمداران، شاعران و... که با پسوند مبارز مطرح می‌شدند، جاذبه‌ای دیگر داشتند. مطبوعات رژیم، تریبون مجلس فرمایشی، رادیو - تلویزیون، تئاتر و سینما - به‌رغم آن‌همه ابتذال - سایه‌ای از این دگرگونی می‌توان دید، و مقایسه نطق‌های قبل از دستور مجلس شورای ملی قبل و بعد از ۱۵ خرداد، گواه روشن این مدعا است.

در این میان، نقش منبر درخور تأملی دیگر است. درحالی‌که ساواک و دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم، نیروی خود را بر کنترل سخنرانیه‌ها متمرکز کرده بودند، نقش و تأثیر سخنان - بیرون از جلسات علنی - بسی عمیق‌تر بود.

طلبه‌ای که از قم به شهر یا روستایی سفر می‌کرد، با مردم در روابط عاطفی خاصی قرار می‌گرفت، افراد مورد اعتماد را شناسایی می‌کرد و میان آنان سخنانی ردوبدل می‌شد، که ثبت و ضبط و پی‌گیری بی‌آمده‌های آن، از ظرفیت دستگاه اطلاعاتی رژیم - حتی اگر بارها و بارها افزایش می‌یافت - بیرون بود، چنان‌که به قلم‌کشیدن چگونگی آن روابط و کنش‌ها و واکنش‌های ناشی از آن، برای تاریخ‌نگاران نیز کاری دشوار، بل ناشدنی است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی